

اثر بخشی روشهای جامعه پذیری و درونی سازی آن در نوجوانان

نعمت اله بابائی^۱

^۱ عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی ورامین پیشوا

چکیده

هدف این مطالعه مقایسه میزان اثر بخشی شیوه های آموزشی در زمینه جامعه پذیری و درونی سازی آن در نوجوانان است. برای انجام این مطالعه ابتدا ۱۶۰ نفر از دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران به صورت تصادفی در مطالعه شرکت جستند و به چهار گروه ۲۰ نفره تقسیم شدند برای سه گروه شیوه های ایفای نقش، بحث گروهی و سخنرانی به کار رفت و یک گروه نیز به عنوان گروه کنترل بدون مداخله منظور شد. یافته ها نشان داد که روش ایفای نقش بیشترین کارآمدی را دارد و بحث گروهی در مرتبه بعدی قرار می گیرد و سخنرانی کمترین کارآمدی را در زمینه جامعه پذیری و درونی سازی نشان می دهد، در این مطالعه نتایج نشان داد که گروه کنترل هم بدون هیچ تغییری باقی مانده است. با توجه به اثر بخشی بیشتر شیوه های نوین و یکسانی هزینه ها استفاده بیشتر از آنها در آموزش های مرتبط با تغییر رفتار و جامعه پذیری و درونی سازی احترام به قانون پیشنهاد می شود.

واژه های کلیدی: درونی سازی - جامعه پذیری - احترام به قانون جوانان

۱- مقدمه

همه انسان ها از زمانی که متولد می شوند در فرایندی قرار می گیرند که جامعه شناسان به آن اجتماعی شدن یا جامعه پذیری (Socialization) می گویند. در فرایند اجتماعی شدن انسان ها از طریق ارتباط با نهاد ها و انسان های دیگر آداب، رسوم، هنجارها، قوانین و مقررات و به طور کلی با فرهنگ یک جامعه آشنا شده و آن را درونی می سازند. بدون فرایند اجتماعی شدن انسان ها قادر نخواهند بود ساده ترین رفتار هارا که مورد پذیرش جامعه باشد انجام دهند. جامعه شناسان نمونه هایی از افراد انسانی را ذکر می کنند که از دوران اولیه کودکی در فرایند اجتماعی شدن قرار نگرفته اند و بعد از آن با تلاش های فراوان هم نتوانسته اند رفتار های شایسته و پذیرفته شده ای جامعه را یاد بگیرند. (گیدنز، ۸۹: ۱۳۸)

یکی دیگر از عوامل اجتماعی شدن گروه همسالان است. گروه های همسالان گروه های دوستی کودکان همسن هستند. در بعضی از فرهنگ ها، به ویژه جوامع کوچک سنتی، گروه های همسالان به عنوان طبقات سنی رسمیت یافته اند. هر نسلی دارای حقوق و مسئولیت هایی است، که با پیرتر شدن اعضایش تغییر می کند. اغلب مراسم یا مناسک ویژه ای وجود دارد که گذار افراد را از یک طبقه سنی به طبقه دیگر مشخص می نمایند. افرادی که درون یک مجموعه سنی خاص قرار می گیرند معمولاً در سراسر زندگیشان ارتباطات نزدیک و دوستانه برقرار می کنند و بر رفتار های یکدیگر تاثیر دارند. (همان، ص ۱۰۵)

درونی سازی (internalization) به معنی فرایند اخذ رابطه ای عینی به درون است. جامعه پذیری اصطلاحی است که توسط جامعه شناسان، روان شناسان اجتماعی و مردم شناسان استفاده می شود و به روندی گفته می شود که در آن شخص در طول حیات خویش هنجارها، عرف ها و ارزش های جامعه خویش را یاد می گیرد. به عبارتی؛ آماده شدن فرد توسط جامعه برای بر عهده گرفتن نقش ها را جامعه پذیری می گویند. جامعه پذیری به معنای همسازی و همخوانی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی اجتماعی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد، دانش و مهارت های اجتماعی لازم برای مشارکت موثر و فعال در زندگی گروهی اجتماعی را کسب می کند مجموعه این ارزش ها، هنجارها و نگرش ها، دانش ها و مهارت ها فرد را قادر می سازد که با گروه ها و افراد جامعه، روابط و کنش های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن امری مستمر و به اعتباری مادام العمر است. (Pekrun et al, 2011: 69)

پژوهش های موجود درباره یادگیری به دهه ۱۹۲۰ میلادی باز می گردد تحقیق در مورد کاربردهای ویژه یادگیری مشارکتی از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد. شکر و فیشر (۲۰۰۴) و جانسون و جانسون (۲۰۰۲) بر اساس پژوهش های خود به پیامدهای مثبت آموزش مشارکتی اشاره می کنند. لازارویتز (۱۹۹۵) و اسلاوین (۱۹۹۵) با بررسی و بازبینی تحقیقات در مورد یادگیری مشارکتی نشان دادند، که یادگیری مشارکتی هم در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و هم در روابط بین گروهی و اعتماد به نفس و تغییر رفتار مؤثر است. (Putwain et al, 2013: 84) که طبعاً می تواند شامل جامعه پذیری و احترام به قانون نیز شود.

۲- مبانی و مفاهیم نظری

اجتماعی شدن یا جامعه پذیری مفهومی است که به توصیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می پردازد که فرد را قادر می سازد تا با فرهنگ جامعه خودش سازش یابد. در واقع جامعه پذیری " فرایندی است که بر اساس آن فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند" (دادستان، ۱۳۷۹: ۱۷۹) در جامعه پذیری به ایفای ارزش ها و هنجارهای خویش به افراد نایل می آید. (Biggs, 1996: 364)

از طریق اجتماعی شدن، فرد شیوه های زندگی جامعه خود را فرا می گیرد؛ شخصیتی کسب میکند و آمادگی رفتار به عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می کند او باید می گیرد خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهد. در واقع انسان در فرایند جامعه پذیری است که از طریق کنش های متقابل اجتماعی، شیوه راه رفتن و گفتن را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف می پردازد (ستوده ۱۳۸۶: ۴۹)

در این میان جامعه نه تنها برای بقای خود، افراد جامعه را به شیوه های گوناگون آموزش می دهد تا آنها نمادها، الگوها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را در روابط متقابل خود به کار بگیرند بلکه در تلاش است تا با دگرگونی هایی که در نظام اجتماعی و ترکیب افراد جامعه به علت مرگ و میر، زاد و لدومهاجرت رخ می دهد، به خود سازی و نوسازی خویش بپردازد تا از این طریق، درونی شدن عناصر اجتماعی در افراد جامعه امکان پذیر شود. برای این که جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد باید دارای اجماع و توافق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه پذیری افراد دارد اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته های اجتماعی- اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آنها هم گامی کند، آموزش و جامعه پذیری افراد به سهولت انجام می شود در غیر این صورت ناسازگاری ها و ناکامی ها بروز خواهد کرد. (سیف الهی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

روند اجتماعی شدن چنین مطرح می کند که بین شخص و جامعه نه تنها تضاد وجدائی نیست بلکه تداوم و تداخل وجود دارد و مجازات ها بخشی از روند اجتماعی شدن هستند به این شکل که عوامل اجتماعی کردن برای آنکه بر درونی کردن هنجارها تاکید کنند، از مجازات ها استفاده می کنند. (Frenzell, etall, 2007: 493)

هولینگ شید (Holling Shead) سه اصل اولیه را در اجتماعی شدن هر فرد به شرح زیر اعلام کرده است:

- ۱- فرد رفتار اجتماعی را در ایجاد رابطه و تاثیر پذیری از دیگران در اجتماع یاد می گیرد.
 - ۲- فرهنگی که فرد در آن به دنیا آمده و بزرگ می شود، مشخص می کند که او چه کاری باید فراگیرد و چه عملی از خود نشان دهد.
 - ۳- تکامل فراگیری و آموزش پذیری فرد در جامعه زمانی محقق می شود که وی بتواند به طور موثر در اجتماعی شدن و نقش پذیرفتن در گروه ایفای نقش کند (یاووزار، ۱۳۸۲: ۴۰)
- فرد جامعه پذیر کسی است که بر اثر همنوا شدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راه های همکاری را شناخته و به این ترتیب دارای رفتارهای گروه پسند شده است. جریان جامعه پذیری به دو صورت پیش می رود یعنی گاهی اوقات گروه عمداً به جامعه پذیر کردن فرد می پردازد مانند زمانی که خانواده و مدرسه آگاهانه هنجارهای زندگی گروهی را به کودک آموزش می دهند و گاهی نیز زندگی گروهی خود به خود فرد را جامعه پذیر می کند مثل وقتی که پدران و مادران بی آنکه خود آنها متوجه باشند سرمشق کودکان قرار می گیرند. (Goetz, 2008: 33)

جامعه پذیری دارای هدف هائی است که به مهم ترین آنها اشاره می شود: یکی از مقاصد فرد در جامعه این است که آداب و رسوم، سنت ها عقاید و رفتارهای جامعه را بپذیرد و به آنها عمل کند تا امکان زندگی اجتماعی میسر شود. (سیف الهی، ۱۳۸۶: ۱۳۱) جامعه پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی تحت نظم و انضباط در می آورد به او امید و آرزو هم می دهد. فراگرد جامعه پذیری از طریق برآورده به او امید و آرزو هم می دهد. فراگرد جامعه پذیری از طریق برآورده کردن خواسته ها، آرزوها، امیدها و سودهای فردی یا ممانعت از دستیابی به آنها، برای فرد هویت می آفریند. این فراگرد، نقش های اجتماعی و نگرش ها، انتظارات و گرایش های مربوط به آن نقش ها را به فری می آموزد. یکی دیگر از هدف های جامعه پذیری، آموزش مهارت ها به افراد است تا با اکتساب و یادگیری این مهارت ها بتوانند در جامعه منشا اثر واقع شوند (علاقه بند، ۱۳۸۰: ۹۴)

هدف دیگر اجتماعی شدن قانون پذیری است در واقع روند قانون پذیری از دوره کودکی و طی فرآیند اجتماعی فرد به دست می آید که با ویژگی های شخصیتی، فرهنگ عمومی جامعه ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است و دو شکل اصلی دارد که عبارت است از:

۱- قانون پذیری اجباری: اغلب در حکومت های استبدادی مشاهده می شود؛ چون بدون کنترل اجتماعی، به قوانین عمل نمی شود.

۲- قانون پذیری ارادی: در جوامع آزاد و قانونمند و به دلیل درونی شدن در فرآیند جامعه پذیری صورت می گیرد. (Frenzell, etall, 2007: 493)

در خصوص کودکان، آگاهی آنها از وضعیت روحی و احساسی دیگران در رشد اجتماعیشان بسیار اهمیت دارد. معمولاً بین ۴ تا ۵ ماهگی با وجود آن که کودکان در این دوره سنی از ور رفتن اشیاء توسط خودشان و دیدن اتفاقات اطراف لذت می برند، اما در برقراری ارتباط با دیگران مشتاق تر می شوند. آنها دوست دارند در صحبت هایی که در پیرامونشان می شود شرکت کنند. این برقراری ارتباط این

احساس را به آنها می دهد که جزیی از خانواده هستند و این احساس برای آنها امنیت عاطفی را به ارمغان می آورد که به رشد اجتماعی‌شان کمک می کند (Pekrun et al, 2011:34)

در ۱۸ ماهگی نیز رابطه عاطفی کودکان با اطرافیان‌شان به خصوص مادر نقش تعیین کننده ای در رشد اجتماعی آنها دارد. یعنی نحوه ارضای نیازهای اولیه کودک از جمله: گرسنگی و تشنگی، سازنده نگرش او نسبت به دیگران است. کودک برای آن که مورد پذیرش دیگران واقع شود، به تدریج باید توقعات آنان را برآورده کند؛ قوانین و مقررات را رعایت کند؛ آهسته و بی صدا غذا بخورد و ادرار و مدفوعش را کنترل کند. اما چنان چه توقعات اطرافیان از کودک نامناسب و خارج از توان او باشد، کودک نگران و ناراحت شده و رشد اجتماعی وی دچار اختلال می شود. بنابراین در این دوره، والدین باید با توجه به سن کودک از او انتظار معقول داشته باشند (Putwain et al, 2013:61)

حفظ نظم اجتماعی هر جامعه در گروه اجتماعی شدن و جامعه پذیری صحیح فرزندان آن جامعه است، فرزندی که به طرق صحیح اجتماعی شوند، قادر خواهند بود در بزرگسالی مطابق با هنجارها و ارزش های اجتماعی جامعه خود ایفای نقش نمایند و ویژگی های مثبتی را که در این فرآیند کسب می کنند به سلامت اجتماعی جامعه کمک خواهد کرد. اجتماعی شدن فرایندی است که کودکان از طریق آن معیارها ارزش ها و رفتارهای مورد نظر فرهنگ و جامعه خود را می آموزند و جامعه پذیری قانونی نوع خاصی از جامعه پذیری است که در آن ارزش ها نگرش ها و رفتارها با توجه به قوانین رشد می کنند. (ماسن، ۱۳۸۴:۲۸).

از نیم قرن پیش تا کنون یافته های روانشناسی رشد و تحول اخلاقی و آزمونهای رشد اخلاقی که پیازه و کلبهگ ارائه کرده اند، مورد استفاده مراکز مشاورهای آموزش و پرورش و سایر مراکز روان شناسی کشور ما بوده است. همچنین، درسهای مربوط به این جنبه از رشد کودکان و نوجوانان در مراکز تربیت معلم و در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری رشته های گوناگون روان شناسی و علوم تربیتی در همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران نیز غالباً بر اساس دیدگاههای همین دو دانشمند ارائه شده است و میشود. از سوی دیگر، در آثار دینی و فلسفی و تربیتی که در نیم قرن گذشته در ایران تألیف شده عموماً به کلیات مسائل اخلاقی پرداخته اند و نمی توان آنها را در شمار تحقیقات علمی در چگونگی رشد اخلاقی به حساب آورد. در پژوهش هایی نیز که تا کنون در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی صورت گرفته نظریه پردازی و مقیاس سازی در حوزه رشد اخلاقی مورد توجه جدی واقع نشده است. بررسی های مربوط به مآخذشناسی سنجش رشد و تربیت اخلاقی نیز نشان می دهد که تا کنون در کشور ما آزمون بومی مناسبی در حوزه سنجش رشد اخلاقی تهیه و هنجاریابی نشده است. (لطف آبادی، ۱۳۸۴:۷۲)

لارنس کلبهگ واضع نظریه رشد اخلاقی، با الهام از آرای کانت در مورد اخلاق و همچنین نظریه رشد شناختی پیازه، تئوری خود را پایه ریزی کرد گروه های زیادی از کودکان و نوجوانان بین ۱۰ تا ۱۶ سال را به مدت ۱۲ سال مورد بررسی قرار داد و هر سه سال یکبار از آنها پرسش می کرد، سطوح رشد را به پیش عرفی، عرفی، و پس عرفی تقسیم نمود و برای هر سطحی دو مرحله قایل بود. مرحله اول اخلاق براساس اطاعت، مرحله دوم اخلاق براساس پاداش، مرحله سوم اخلاق پسر خوب، دختر خوب، مرحله چهارم اخلاق بر اساس قانون، مرحله پنجم اخلاق بر اساس پیمان اجتماعی، مرحله ششم اخلاق بر اساس اصول اخلاقی درونی. کلبهگ تزریق اخلاق را به کودکان نمی پذیرفت بلکه معتقد بود که کودکان در مواجهه شدن با سطح استدلال بالاتر، مواجهه شدن با مسائل و تناقضات، تاثیر می پذیرند. افرادی بر نظریات کلبهگ خرده گرفته اند و تحقیقات او را در هر وضعیتی وارد نمی دانند از جمله گیلیگان از سبک مرد گرایی او انتقاد کرده است. راه کار کلبهگ به معلمین جهت کمک به دانش آموزان برای ارتقا به سطوح بالاتر، تشویق به بحث، توجه به آراء آنها، و مشارکت آنها در مسائل اخلاقی است. با تمام این توصیف ها هنوز بحث و جدل مابین ارباب دین، فیلسوفان، روانشناسان، و کارشناسان علوم تربیتی ادامه دارد و در این میان بسیاری از فرزندان به روش سنتی تربیت می شوند. (Pekrun et al, 2011:69)

آن گروه از روانشناسان که به تحولات مرحله ای در رشد آدمی معتقدند، رویکردهایی را درباره تحول اخلاقی مطرح ساخته اند. ژان پیازه در شمار نخستین روان شناسانی است که مسئله چگونگی رشد اخلاقی را مورد پژوهش قرار داده است، اومی گوید که رشد اخلاقی همانند رشد شناختی، طی مراحل صورت می گیرد که رشد اخلاقی، همانند رشد شناختی طی مراحل صورت می گیرد نخستین مرحله عبارت است از شکلی بسیار گسترده از تفکر اخلاقی ناهمخوان و متضاد که اخلاقیات منشا گرفته از خارج نامیده می شود و فرد تصور می کند که قواعد اخلاقی ثابت و تغییرناپذیرند. در این مرحله که ۷ تا ۷ سالگی را دربر می گیرد کودکان فقط به یک صورت بازی می کنند و

هرچند مفهوم درستی از قواعد بازی ندارند، گمان می کنند هر نوع دیگری از بازی کردن نادرست است به همین دلیل وقتی کودکان سرگرم بازی با یکدیگرند، هریک قواعد خاص خود را که ممکن است متفاوت از بازی دیگری باشد اعمال می کنند و با این حال خود را برنده بازی می نانند پیافه می گوید: دراین بازی همه کودکان برنده هستند، زیرا همگی از بازی خود رضایت دارند و این رضایت ناشی از پیروزی در رقابت با دیگران نیست، بلکه ناشی از موفقیت هریک از آنان نزد خویش است. (Weiner, 1985: 573)

کلبرگ هم مانند پیافه و دیگر روانشناسان شناختی، فرآیند تحول قضاوت های اخلاقی را غیر قابل اجتناب می داند. از نظر او تحول اخلاقی به معنی انطباق با معیارهای جامعه نیست، در این دیدگاه با تاکید بر مرحله ای بودن تحول اخلاقی، مفهوم آمادگی برای تربیت اخلاقی را یکی از مفاهیم اساسی می داند کلبرگ هم چون پیافه و کانت یادگیری انفعالی اخلاق را نمی پسندد او معتقد است که کودک یا نوجوان، خود باید تجربه کند یعنی قرار گرفتن فرد در موقعیت های طبیعی حل مسائل اجتماعی و اخلاقی و اندیشیدن فعالانه در باره آنهاست که موجب درونی شدن این ارزش ها می شود از نظر کلبرگ، تشویق دانش آموزان به بحث در باره مسائل مختلف، توجه به نظر آنها، کمک به آنها در جمع بندی مطالب و مشارکت فعالانه آنها در مسائل اخلاقی، از مهمترین ابزارهای معلمان در کمک به رشد قضاوت های اخلاقی دانش آموزان است. برعکس، نصیحت و موعظه، بی توجهی به نظرات دانش آموزان، اداره کلاس به صورت مقتدرانه و تنبیه آنها به دلیل رعایت موارد اخلاقی، از جمله شرایط نامناسب برای رشد اخلاقی آنها به حساب می آید. (کدیور، ۱۳۸۳)

پیش از انجام این مطالعه در یک مرحله قبل از آن تحلیل محتوی کتاب های درسی دوره راهنمایی و روش های آموزشی آنها از نظر جامعه پذیری و درونی سازی احترام به قانون مورد واکاوی قرار گرفت که خود بحث مجزائی را تشکیل داد و در این جا فقط در جمع بندی می توان گفت که روش ها و موضوع های مطرح شده نشان داد که:

- روش ها بیشتر جنبه دستوری و آمرانه داشته و از سیستم پاداش و تنبیه استفاده می شود. (عدم رعایت قانون = مجازات)

- پیام ها به روش مستقیم ارائه می شود که در مقایسه با روش های غیر مستقیم کار آئی کمتری دارد.

- آموزش یکسویه بدون مشارکت دانش آموزان انجام می شود.

- از روش ها و فنون آموزشی مانند ایفای نقش، قصه گوئی، و.. استفاده نمی شود.

۳- روش پژوهش

پیش از انجام این مطالعه در یک مرحله اول از آن تحلیل محتوی کتاب های درسی دوره راهنمایی و روش های آموزشی آنها از نظر جامعه پذیری و درونی سازی احترام به قانون مورد واکاوی قرار گرفت که خود بحث مجزائی را تشکیل داد و در این جا فقط در جمع بندی می توان گفت که روش ها و موضوع های مطرح شده نشان داد که:

- روش ها بیشتر جنبه دستوری و آمرانه داشته و از سیستم پاداش و تنبیه استفاده می شود. (عدم رعایت قانون = مجازات)

- پیام ها به روش مستقیم ارائه می شود که در مقایسه با روش های غیر مستقیم کار آئی کمتری دارد.

- آموزش یکسویه بدون مشارکت دانش آموزان انجام می شود.

- از روش ها و فنون آموزشی مانند ایفای نقش، قصه گوئی و.. استفاده نمی شود.

با توجه به لزوم پرداختن به آموزش و جامعه پذیری در مدارس و به کارگیری روش های که به درونی سازی ارزش ها در فازهای در این پژوهش در مرحله دوم که در واقع مرحله اجرایی طرح پژوهشی را تشکیل می داد به مقایسه روش های جامعه پذیری و درونی سازی آموزش احترام به قانون پرداخته شد. لذا پژوهش حاضر یک مطالعه مداخله ای (Interventional) از نوع آزمایشی نیمه تجربی (Quasi-Experimental) می باشد که با هدف بررسی کارآمدی روش های مختلف آموزش جامعه پذیری و پیروی از قانون به نوجوانان صورت انجام پذیرفته است. ابزاری که در این مطالعه به عنوان پیش آزمون و پس آزمون مورد استفاده قرار گرفت پرسشنامه محقق ساخته "میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون" بود که این مقیاس متشکل است از ۳۲ گویه که پاسخ های آن به صورت صحیح/ غلط بود که پس از طی مراحل مختلف جاسازی شده و از اعتبار و پایایی قابل قبول

برای استفاده در مقاصد پژوهشی برخوردار می باشد پایائی مقیاس از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که ۰/۸۳ می باشد و ضریب اعتبار ملاکی آن نیز با استفاده از همبستگی بین سؤال ها باز پاسخ در انتهای مقیاس و میانگین نمرات را آن برابر با ۰/۹۲ = r به دست آمد.

۴- روش گردآوری و نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان مقطع راهنمایی منطقه ۵ شهر تهران بودند که در این میان ۱۶۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه در پژوهش شرکت داده شدند و ۵۰ درصد آنها را دختران و ۵۰ درصد را پسران تشکیل می دادند ابتدا مقیاس مورد نظر برای پیش آزمون برای همه آزمودنی ها اجرا گردید سپس دانش آموزان به طور تصادفی به چهار گروه تقسیم شدند که هر یک متشکل از ۲۰ دختر و ۲۰ پسر بودند بعد یک گروه تحت آموزش به طریق سخنرانی گروه دوم تحت آموزش از طریق بحث گروهی و گروه سوم تحت آموزش به روش ایفای نقش قرار گرفتند گروه چهارم نیز به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد و هیچ مداخله ای روی آنها صورت نگرفت.

پس از پایان دوره آموزش مقیاس "میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون" بار دیگر به عنوان پس آزمون بر روی چهار گروه به اجرا و داده های حاصل از نمرات پیش آزمون و پس آزمون دانش آموزان در هر یک از گروه ها با استفاده از روش های مختلف آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل یافته قرار گرفت.

۵- یافته ها

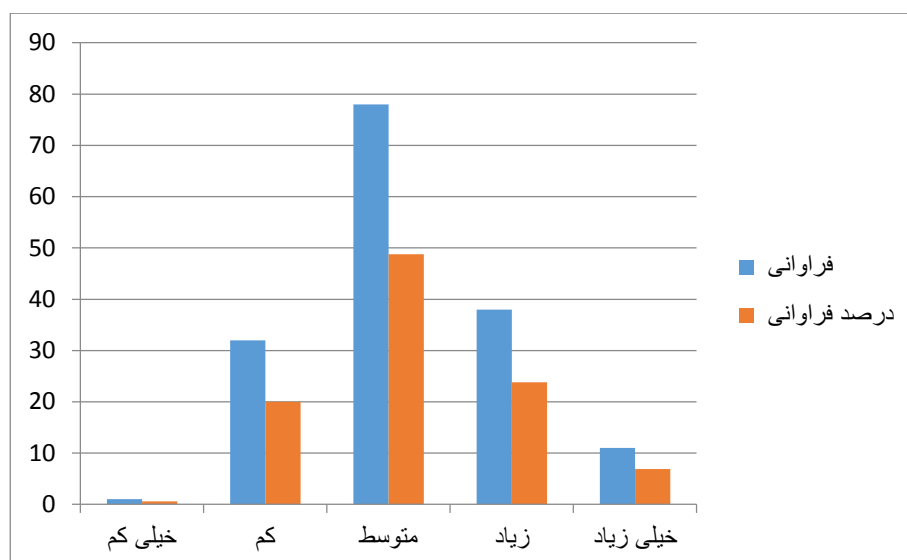
در این قسمت نتایج حاصل از مطالعه در دو بخش جداگانه به شرح زیر ارائه می گردد:

الف) بررسی میزان احترام به قانون و اجتماعی شدن در دانش آموزان مورد مطالعه

نمرات کسب شده در اجرای پیش آزمون از آنجایی که هنوز مداخله ای روی دانش آموزان صورت نگرفته بود می تواند معرف میزان احترام به قانون و اجتماعی شدن در آنها باشد به همین منظور نمرات بدست آمده از مقیاس که می تواند در دامنه ای بین ۰ تا ۳۲ متغیر باشد به طور مساوی به پنج طبقه تقسیم شد و توزیع دانش آموزان مورد مطالعه در این طبقات مورد بررسی قرار گرفت. جدول و نمودار زیر انعکاس دهنده این نتایج می باشند:

جدول شماره ۱: فراوانی و درصد فراوانی توزیع نمرات پیش آزمون دانش آموزان در پژوهش میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون

شاخص	میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
فراوانی	۱	۳۲	۷۸	۳۸	۱۱	۱۶۰	
درصد فراوانی	۰/۱۶	۲۰	۴۸/۸	۲۳/۸	۶/۹	۱۰۰	



نمودار شماره ۱: فرآوانی توزیع نمرات پیش آزمون دانش آموزان در پژوهش میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون

همان گونه که از داده های فوق برمی آید در صد کمی از دانش آموزان مورد مطالعه در مقیاس مذکور نمره خیلی پایین دریافت کرده اند و میزان احترام به قانون و اجتماعی شدن در بیشتر آزمودنی ها در حد متوسط به بالایی باشد. تجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد که بین وضعیت اشتغال پدر و میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون در گروه مذکور اعتبار ارتباط معنادار آماری وجود دارد. به عبارت دیگر دانش آموزانی که پدر شاغل دارند نسبت به آنهایی که به پدر بیکار دارند به میزان بیشتری اجتماعی شده و به قانون احترام می گذارند، اما این رابطه در مورد وضعیت اشتغال مادر تایید نشد. ارتباط بین متغیر میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون در دانش آموزان و میزان تحصیلات والدین نیز معنا دار بوده است به این معنا که با افزایش میزان تحصیلات والدین و فرزندان آنها در میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون رتبه بالاتری کسب کرده اند. وضعیت اقتصادی دانش آموزان مورد مطالعه نیز با میزان اجتماعی شدن و احترام به قانون رابطه معنادار داشته است، بدین ترتیب که با بهتر شدن اوضاع اقتصادی خانواده نمرات دانش آموزان در مقیاس افزایش داشته است.

در جدول زیر پاسخ های دانش آموزان به گویه های ۳۲ گانه مقیاس را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: گویه های ۳۲ گانه مقیاس اجتماعی شدن و احترام به قانون

شماره گویه	گویه	
	درصد فراوانی پاسخ ها	
	صحیح	غلط
۱	۶۰	۴۰
۲	۲۰	۸۰
۳	۵۷/۵	۳۲/۵
۴	۵۰	۵۰
۵	۷۷/۵	۲۲/۵
۶	۸۷/۵	۱۲/۵
۷	۶۲/۵	۳۷/۵
۸	۹۲/۵	۷/۵
۹	۵۷/۵	۴۲/۵
۱۰	۱۰	۹۰
۱۱	۶۰	۴۰
۱۲	۶۵	۳۵
۱۳	۹۷/۵	۲/۵
۱۴	۷۵	۲۵
۱۵	۸۷/۵	۱۲/۵
۱۶	۷۷/۵	۲۲/۵
۱۷	۷۲/۵	۲۷/۵
۱۸	۷۵/۵	۲۲/۵
۱۹	۷۲/۵	۲۷/۵
۲۰	۴۵	۵۵
۲۱	۱۲/۵	۸۷/۵
۲۲	۳۰	۷۰
۲۳	۵۰	۵۰
۲۴	۱۰	۹۰
۲۵	۲۰	۸۰
۲۶	۴۷/۵	۵۲/۵
۲۷	۸۰	۲۰
۲۸	۳۰	۷۰
۲۹	۷۰	۳۰
۳۰	۲۵	۷۵
۳۱	۱۵	۸۵
۳۲	۸۵	۱۵

ب) بررسی میزان کارآمدی روش های مختلف آموزشی و اجتماعی شدن

جدول و نمودار زیر تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر یک از گروه های مورد مطالعه را نشان می دهند:

جدول شماره ۳: تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون میانگین ها

گروه ها	میانگین نمرات پیش آزمون	میانگین نمرات پس آزمون	تفاوت میانگین ها	t- test	P value
سخنرانی	۱۸/۸۸	۲۰/۴۰	۱/۵۲	۴/۷۳	۰/۰۰۰
بحث گروهی	۲۰/۰۵	۲۱/۹۵	۱/۹۰	۶/۰۹	۰/۰۰۰
ایفای نقش	۲۰/۵۲	۲۳/۳۳	۲/۸۱	۷/۸۱	۰/۰۰۰
کنترل	۱۹/۷۸	۱۹/۸۵	۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۷۱



نمودار شماره ۳: تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون میانگین ها

داده های جدول فوق و آزمون معناداری بین میانگین ها حاکی از آن است که در هر سه گروه های آزمایشی، روش های آموزشی به کار رفته (سخنرانی، بحث گروهی و ایفای نقش) توانسته اند بر نمرات آزمودنی ها در مقیاس تاثیر گذارند و باعث افزایش معنادار آنها شده اند همانطور که ملاحظه می شود در گروه کنترل که هیچ مداخله ای انجام نشده بود، نمرات پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری نکرده است.

آزمون تحلیل واریانس یکراهه (F) نیز تفاوت بین میانگین گروه های مختلف را معنادار نشان می دهد؛ یعنی تفاوت ایجاد شده در نمرات پیش آزمون و پس آزمون ناشی از تاثیر متغیر مستقل (روش های آموزش) می باشد. آزمون تعقیبی توکی (Tukey) حاکی از آن است که بیشترین تفاوت بین میانگین ها در اثر آموزش از طریق ایفای نقش ایجاد شده است و پس از آن روش بحث گروهی و سخنرانی قرار دارند.

بررسی میزان تفاوت ایجادشده در نمرات توسط روش های مختلف به تفکیک جنس نشان داد که در هر دو گروه دختران و پسران روش ایفای نقش بیشترین کار آمدی را داشته است اما در گروه پسران روش سخنرانی نسبت به بحث گروهی موثر تر واقع شده است در حالی که در گروه دختران پس از ایفای نقش، شیوه بحث گروهی بیشترین کار آمدی را داشته است.

۶- بحث و نتیجه گیری

بر اساس تحلیل محتوی مقیاس پژوهش و بررسی پاسخ دانش آموزان به گویه های مختلف می توان به نقاط ضعف دانش آموزان پی برد. به عنوان مثال آزمودنی ها به گویه های شماره ۱۸، ۱۱، ۹، ۷، ۳، ۱ و ۱۹ نشان می دهد که در آموزش به دانش آموزان باید بیشتر بر این موضوعات تاکید شود و عقاید غلط آنها اصلاح گردد. همچنین از بررسی گویه های ۳۱، ۲۱، ۱۵، ۱۴، ۱۳۴، ۱۰۱، ۶ و ۳۲ مشخص می شود که دانش آموزان ارزش بالائی برای خانواده قایل هستند و برای رضایت آنها تلاش می کنند. یافته های پژوهش نشان داد که روش سخنرانی کمترین کارآمدی را بین سه روش این مطالعه داشته و روش بحث گروهی نسبت به روش سخنرانی موثر تر بوده است اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نمی باشد.

پژوهش های بسیاری این دوروش را با هم مقایسه کرده اند ها دوبین (Dubin) و تاوجیا (Taveggia) داده های حدود ۱۰۰ پژوهش انجام شده در طی ۴۰ سال را در باره تاثیر روش روش بحث گروهی و روش سخنرانی بر یادگیری دانش آموزان را بررسی کرده اند اعلام نموده اند نتایج نشان می دهد که بین این دوروش تفاوت معناداری در میزان یادگیری دیده نمی شود. (Trautwein, 2008: 87) جانسون (Johnson) که نظریه یادگیری مشارکتی (Cooperative learning) را مطرح کرده است معتقد است این مدل از یادگیری که توسط گروه انجام می شود از نظر درونی سازی ارزش ها و تغییر نگرش با شیوه های سنتی آموزش که در آنها عمدتاً تغییر در دانش و اطلاعات به وجود می آید، قابل مقایسه نیست. (Johnson 2008 : 39)

تاثیر تمرینات کلاسی مختلف در تغییر نگرش دانش آموزان را مورد بررسی قرار داد و دریافت که دانش آموزانی که در برنامه های فعال تر از جمله بحث گروهی شرکت کرده بودند به طور معناداری بیشتر از آنهایی که تنها با سخنرانی آموزش دیده بودند تغییر نگرش دادند و نمرات بهتری در آزمون دریافت کرده اند.

مطالعات متعدد در چند دهه گذشته نشان داده است که شیوه های سخنرانی و آموزش های یکسویه کمترین نقش را در تغییر نگرش داشته است هر چند در انتقال اطلاعات موفق بوده و در ارزیابی های معمول مانند آزمون امتحانات می تواند نمره مناسبی را برای فرد بدست آورند ولی در انتقال اطلاعات ماندگار و تغییر نگرش افراد معمولاً در کمتر از بیست درصد موارد تاثیر گذار است در حالیکه و روش بحث گروهی هر چند در انتقال اطلاعات صحیح و دقیق چندان کارایی ندارد اما در درونی کردن ارزشها و ماندگاری آموخته ها بیشترین تاثیر را با هشتاد درصد قدرت ایجاد تفکر ماندگار و تغییر نگرش را دارا می باشد. نتایج این تحقیق نیز همسو با سایر مطالعات روش ایفای نقش را کارآمدترین شیوه آموزشی معرفی می کند. این روش توانایی ذهنی یادگیرنده را افزایش می دهد و دانش کسب شده از این روش قابل انتقال تر از سایر روش ها می باشد و به یاد داری مطالب می انجامد.

برای تعمیم و توسعه یافته ها و نتایج این پژوهش گریزی از انجام پژوهش های تکمیلی نیست تا در سایه آنها بتوان بر شکاف های موجود در برنامه های کنونی در زمینه برنامه ها و شیوه های آموزشی برای تغییر رفتار و جامعه پذیری نوجوانان غلبه یافت.

۷- منابع

- ۱- دادستان، پریرخ؛ (۱۳۷۹) روانشناسی مرضی تحولی، از کودکی تا بزرگسالی. جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- ستوده، هدایت اله؛ (۱۳۷۶) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران نشر آوای نور.
- ۳- سیف الهی سیف اله؛ (۱۳۸۶) مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات جامعه پژوهان.
- ۴- علاقه بند، علی؛ (۱۳۸۰) مقدمات مدیریت آموزشی. علی علاقه بند، تهران: نشر روان.
- ۵- کدیور، پروین؛ (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، تهران انتشارات سمت.
- ۶- گیدنز: آنتونی؛ (۱۳۸۱) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ۷- ماسن، پاول هنری و دیگران؛ (۱۳۸۴) رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- ۸- لطف آبادی، حسین؛ (۱۳۸۴) نقد نظریه های رشد اخلاقی پیازه و کولبرگ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش آموزان ایران، فصلنامه نوآوریهای آموزشی سال چهارم، شماره ۱۱.
- ۱- یاووزار، هالوک؛ (۱۳۸۲) ناسازگاری و بزهکاری در کودکان، ترجمه: قدیر گلکاریان، تهران: نشر طلایه.
- 2- Biggs, J. (1996). Enhancing teaching through con-structive alignment. Higher Education, 32(3), 347-364.
- 3- Frenzel, A. C., Pekrun, R., & Goetz, T. (2007). Perceived learning environment and students' emotional experiences: A multilevel analysis of mathematics classrooms. Learning and Instruction, 17(5), 478-493.
- 4- Johnson, D., Johnson, R., & Holubec, E. (2008). Advanced Cooperative Learning. Edin, MN: Interaction Book Company.
- 5- Goetz, T., Frenzel, A., Hall, N., & Pekrun, R. (2008). Antecedents of academic emotions: Testing the internal/external frame of reference model for academic enjoyment. Contemporary Educational Psychology, 33(1), 9-33.
- 6- Pekrun, R., Goetz, T., Frenzel, A. C., Barchfeld, P., & Perry, R. P. (2011). Measuring emotions in students' learning and performance: The Achievement Emotions Questionnaire (AEQ). Contemporary Educational Psychology, 36(1), 36-48.
- 7- Putwain, D. W., Sander, P., & Larkin, D. (2013). Using the 2x2 framework of achievement goals to predict achievement emotions and academic performance. Learning and Individual Differences, 25, 80-84.
- 8- Trautwein, U., Niggli, A., Schnyder, I., & Lüdtke, O. (2009). Between-teacher differences in homework assignments and the development of students' homework effort, homework emotions, and achievement. Journal of Educational Psychology, 101(1), 176-189.
- 9- Weiner, B. (1985). An attributional theory of achievement motivation and emotion. Psychological Review, 92(4), 548-573.

Methods of Socialization and Its Internalization in Youth

N. Babaei²

Abstract

One of the basic issues of any society is to focus on issues of internalization of values, socialization and respect for the law, especially for children and youth, so that they will not be harmed in the future. Internalization creates a sustainable motivation for activities, duties, and respect for law and social relations, which is the result of individuals' socialization. In the process of growing children and adolescents, they are always exposed to various social conditions and may be confused. Therefore, they should teach the method of respecting law and socialization so that they can control themselves more with social conditions. Internalization, socialization and education of respect for law and values in children and adolescents in different cultures and social settings are implemented in different ways. Comparison of the effectiveness of educational methods in the field of socialization and its introversion in young people is the subject of this study. To do this study, 160 high school students in Tehran were randomly divided into two groups and divided into 4 groups of 20 persons. For three groups, role playing, group discussion and hearing were used and one group as an uncontrolled intervention group Became. The findings showed that role played in the group at the next level and the lowest level in the field of socialization and internalization, The control group remained unchanged. Considering the effectiveness of the above methods and not the cost difference, it is suggested that they be used in relevant behavioral studies.

Keywords: internalization, socialization, respect for law, teenagers

² Assistant Professor , Islamic Azad University of Varamin Pishva.